

## **The role of noble women in the enthronement of the first Sassanid kings (Case study: Šāpūrdoxtak, wife of Bahram II)**

**Esmail Sangari\***

**Mohammad Tavakolian\*\***

### **Abstract**

According to some contracts and testaments attributed to the Sassanid kings that have been reached to us by historians of the Islamic period, the process of choosing a king was done by the king himself. Another method was reported in Tansar's letter to Gošnasb, in which there were permanent associations for the selection of the king, whose duty was to select the successor after the death of the king, which included Mobadān Mobad, Mahasht's secretaries (Head of secretaries), and Sepāhbod Sepahbazān (Commander-in-Chief of the Army). Until the translation of the Shapur I inscription on Zoroaster's Ka'ba, our knowledge about the women of the Sassanid court was limited to the information we had through the narrations of historians of the Islamic period. By translating Shapur's inscription, new dimensions of power, through noble women and their influence on the issue of succession and legitimacy of the first Sassanid kings, appeared for the researchers. In this research, our effort is to open the third side in the power triangle of the Sassanid period, which was the influential women of the court, with a descriptive-analytical method. Therefore, the status of noble women in the court of Sassanid kings from Ardashir I to Narseh (224-302 AD) and the position of noble women in the coming to power of the kings of this dynasty will be examined.

\* Associate Professor of History Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author),  
e.sangari@ltr.ui.ac.ir, ORCID: <https://orcid.org/0000-0003-2351-4947>

\*\* PhD student in Ancient history of Iran, University of Isfahan, Isfahan, Iran,  
mohammadtavakolian33@gmail.com, ORCID: <https://orcid.org/0009-0002-0463-5532>

Date received: 16/05/2023, Date of acceptance: 10/11/2023



Our case study among these women is “Šāpūrdoxtak ”, the Bahram II’ wife and Bahram III’ mother, who was most likely chosen as the crown prince of the Sassanid king for a while.

**Keywords:** Sasanian women, Šāpūrdoxtak, Bahram II, Literary data, Archaeological evidence.



## نقش زنان نژاده دربار در بر تخت‌نشینی شاهان نخستین ساسانی (مطالعه موردی: شاپوردختک همسر بهرام دوم)

اسماعیل سنگاری\*

محمد توکلیان\*\*

### چکیده

بنابر برخی از عهدنامه‌ها و وصیت‌نامه‌های منسوب به شاهان ساسانی که توسط مورخان دوره اسلامی به دست ما رسیده، فرآیند شاه‌گزینی توسط خود شاه انجام می‌پذیرفته است. در نامه تنسر به گشنسب شیوه‌ای دیگر گزارش شده که طی آن انجمن‌های دائمی شاه‌گزینی وجود داشته که وظیفه آن‌ها که شامل مؤبدان مؤبد، دبیران مهشت و سپاهید سپهبدان می‌شد، برگزیدن جانشین، پس از مرگ شاه بود. تا پیش از برگردان کتیبه شاپور یکم ساسانی بر کعبه زردشت، آگاهی ما در باب زنان دربار ساسانی محدود به اطلاعاتی می‌شد که از طریق روایات مورخان دوره اسلامی در اختیار داشتیم. با ترجمه کتیبه شاپور، ابعاد جدیدی در مسئله قدرت از طریق زنان نژاده دربار و تأثیرگذاری آن‌ها در موضوع جانشینی و مشروعیت شاهان نخستین ساسانی پیش روی پژوهشگران پدیدار شد. در این پژوهش تلاش ما بر این است تا با شیوه توصیفی-تحلیلی، ضلع سومی در مثلث قدرت دوره ساسانی که همانا زنان بانفوذ دربار بوده‌اند، بکشاییم. از این رو، به بررسی وضعیت زنان والاتبار در دربار شاهان ساسانی از اردشیر یکم تا نرسه (۲۲۴-۳۰۲ م.) و جایگاه زنان نژاده در به قدرت رسیدن شاهان این دودمان خواهیم پرداخت. پژوهش موردی ما در میان این بانوان، «شاپوردختگ»، همسر بهرام دوم و مادر بهرام سوم است که به احتمال فراوان مدتی نیز به عنوان ولیعهد شاه ساسانی نیز انتخاب شده بود.

**کلیدواژه‌ها:** زنان ساسانی، شاپوردختگ، بهرام دوم، داده‌های مکتوب، شواهد باستان‌شناختی.

\* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)، e.sangari@ltr.ui.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، mohammadtavakolian33@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۹



## ۱. مقدمه

### ۱.۱ بیان مسئله

اطلاعات ما در باب شاه‌گزینی در دوره ساسانی بیشتر از طریق روایات مورخان دوره اسلامی و مربوط به آثاری می‌شود که ظاهراً منبع همه آن‌ها از دوره ساسانی سرچشمه گرفته است و شامل عهدها و وصیت‌هایی می‌شود که معمولاً منسوب به یکی از شاهان ساسانی بوده است. در واقع، آثاری مانند عهد اردشیر، عهد شاپور و از این دست نوشته‌ها که به طور پراکنده توسط برخی از مورخان در دوره اسلامی بازگو شده‌اند. ویدن‌گرن با بررسی همین منابع و مطالعه گزارش‌های گوناگون درباره چند نمونه از شاه‌گزینی در دوره ساسانی، از دو انجمن نژادگان و مردم دون‌پایه سخن گفته است که در گردهمایی خود، شاهزاده‌ای را به عنوان پادشاه تعیین می‌کرده‌اند. او اشاره‌های فراوان به «العُضماء»، «الاشراف» و «اهل البیوتات» در شاه‌گزینی‌ها را نشانه وجود انجمن بزرگان می‌داند (ویدن‌گرن، ۱۳۷۸: ۱۶۶-۱۶۹). شپیمان ضمن رد این‌گونه انجمن‌ها عقیده دارد که می‌بایست چگونگی تعیین جانشین یا ولیعهد را برای هر کدام از شاهزادگانی که بعدتر بر تخت سلطنت تکیه زده‌اند مورد بررسی قرار دهیم و این‌گونه نیست که همه شاه‌گزینی‌ها توسط یک گروه ویژه صورت پذیرفته باشد (شپیمان، ۱۳۹۰: ۹۰-۹۱).

در نامه تنسر به گشنسب مؤبدان موبد، دبیران مهشت و سپاهید سپهبدان، یعنی نمایندگان سه رده دین مردان زردشتی، دبیران و جنگاوران، شاه‌گزینان همیشگی دوره ساسانی خوانده شده‌اند و گفته شده که آن‌ها پس از مرگ شاهنشاه ساسانی، در گردهمایی خویش و آیین ویژه‌ای، یکی از شاهزادگان خاندان ساسانی را به تخت شهریاری می‌نشانده‌اند (جلیلیان، ۱۳۸۷: ۹۰). اما آن‌گونه که از شواهد کتیبه‌شناختی، سکه‌شناسی و سنگ‌نگاره‌های دوره ساسانی برمی‌آید، حداقل شاهان نخستین دوره ساسانی در زمان حیات‌شان، جانشین آینده خود را انتخاب می‌کردند. با مرور همین شواهد متوجه حضور پُررنگ زنان درباری و نقش مهم آن‌ها در انتخاب ولیعهد نیز می‌شویم. برخی از این زنان آن‌چنان قدرتمند بوده‌اند که تصویر آن‌ها در سنگ‌نگاره‌ها، مهرها، ظروف فلزی و سکه‌های دوره ساسانی در کنار شاهان نقش بسته است.

در مقاله پیش رو تلاش داریم تا نفوذ و اعتبار زنان نژاده دربار، به‌ویژه مادران و همسران شاهان را در بر تخت‌نشینی آن‌ها مورد بررسی قرار دهیم و نمونه مورد بررسی ما شاپوردختگ، همسر بهرام دوم است. در واقع برآنیم نشان دهیم که نقش زنان نژاده در بر انتخاب ولیعهد آینده تا چه اندازه بوده است. دلیل تأکید بهرام دوم برای نشان دادن حضور پُررنگ شاپوردختگ در کنار خود چه بوده و چرا بهرام نقش او را بر سکه‌ها حک کرد. ما می‌دانیم که پیش‌تر نزد

هیچ یک از شاهان ساسانی این مسئله دیده نشده بود. همچنین شاپوردختگ چه نقشی در تثبیت قدرت بهرام دوم و ولیعهدی بهرام سوم می‌توانست داشته باشد.

### ۲.۱ پیشینه پژوهش

تا امروز چندین پژوهش مستقل در رابطه با زنان ساسانی صورت پذیرفته است. شومون (۱۹۶۳م.) در مقاله‌ای در مجله *Journal of Near Eastern Studies*، به بررسی نقش و جایگاه زنان نژاده دربار بر پایه داده‌های موجود در کتیبه کعبه زردشت شاپور اول ساسانی پرداخته است. ژینیو و گیزلن (۱۹۸۹م.) در یک همکاری مشترک به موضوع زنان ساسانی بر مهرها پرداخته و دسته‌بندی اولیه‌ای از مهرها را با حضور زنان ساسانی ارائه داده‌اند. ژینیو (۱۹۹۴م.) در پژوهشی مستقل به بررسی داده‌های باستان‌شناختی و مکتوب درباره دینک از زنان قدرتمند عصر ساسانی مبادرت ورزیده است. سنگاری (۲۰۱۳م.) در رساله دکتری خویش با عنوان «زنان ساسانی: داده‌های شمایل‌نگارانه و شواهد مکتوب در سده‌های ۳-۷م.» از زوایای گوناگون به بررسی جایگاه زنان پرداخته است. همچنین وی در دو مقاله دیگر، در انتشارات لایدن (۲۰۲۰م.) و کمبریج (۲۰۲۱م.) به بررسی شواهد موجود در باب زنان در شواهد باستان‌شناختی و مواد فرهنگی عصر ساسانی مبادرت ورزیده است. افزون بر این، در آثار کریستین سن (۱۹۳۳م.)، دریایی (۱۳۸۷ش.) و رجبی (۱۳۹۰ش.) نیز به نقش زنان پرنفوذ دربار اشاراتی شده است. روشن ضمیر (۱۳۹۱ش.) نیز در مقاله خود تحت عنوان *درآمدی بر نظام جنسیت و نابرابری اجتماعی در ایران ساسانی* نیز مطالبی در این باره آورده است. همچنین در کتاب نام *تبارشناسی ساسانیان: از آغاز تا هرمز دوم* نوشته نصراله زاده (۱۳۸۶ش.) که رساله دکتری ایشان نیز بوده است، در باب برخی از زنان نژاده ساسانی بحث شده است.

### ۳.۱ ضرورت پژوهش

آنچه سبب شد تا موضوع نقش شاپوردختگ از زنان نژاده دربار را مورد مذاقه و بررسی قرار دهیم، آن بود که در هیچ یک از پژوهش‌های انجام شده این شهبانوی ساسانی به‌طور مجزا و با در نظر گرفتن جایگاهش با تمامی جزئیات مورد واکاوی واقع نشده است. در بیشتر پژوهش‌ها اغلب نقش زنان ساسانی در قالب مفاهیم کلی توضیح داده شده و کمتر به مقولات ذکر شده در

مقاله پیش رو توجه شده است. بدین جهت در پژوهش حاضر برآنیم تا نشان دهیم زنانی نظیر شاپوردختگ تا چه میزان در مسائل مختلف می‌توانستند تأثیرگذار باشند.

## ۲. نسب و جایگاه زنان نژاده در دربار بهرام دوم (۲۷۴-۲۹۳ م.)

یکی از راه‌هایی که می‌توان به کمک آن، فرضیه انتخاب همیشگی شاه آینده توسط انجمن‌های شاه‌گزینی را مورد بررسی نقادانه قرار داد، بررسی حریم خصوصی شاهان ساسانی و پی بردن به قدرت زنان دربار است که باعث می‌شود تا درک بهتری از مسئله تبار و داشتن مشروعیت خاندانی یا به اصطلاح «خون اصیل» داشته باشیم. متأسفانه هیچ‌گونه آگاهی در باب مادر بهرام دوم در دست نیست، اما آنچه مهم است او به عنوان جانشین و احتمالاً فرزند ارشد بهرام یکم بر تخت نشست. بهرام ظاهراً دو همسر داشته؛ اردشیرآناهید<sup>۱</sup> که به احتمال فراوان خواهر و همسر اول بهرام دوم بود و تنها امکان دارد که از یک مادر نبوده باشند. گمان می‌رود که شهبانو اردشیرآناهید در جوانی و شاید در هنگام زایمان مرده باشد و آن‌گونه که از نقش سکه‌های بهرام دوم برمی‌آید، دخترعموی او، شاپوردختگ جایش را گرفته است (Hinz, 1969: 218). شاپوردختگ، دختر شاپور میشان شاه و نوه شاپوریکم ساسانی بود (لوکونین، رجبی ۱۲۸). در کتیبه شاپور از دو شاپوردختگ نام برده شده، یکی شاپوردختگ دختر شاپور میشان شاه که نام او در فهرست کتیبه شاپور در رتبه بیست‌وهشتم آمده و دیگری شاپوردختگ، شهبانوی سکاها که احتمالاً همسر نرسه بوده است (لوکونین، ۱۳۶۴: ۱۷۴). مادر او دینگ، همسر شاپور میشان شاه بود که احتمالاً پس از مرگ شوهرش برای مدتی فرماندار میشان شد (Gignoux, 1994: 282). او پس از ازدواج با بهرام دوم به لقب بانیشن بانیشن (شهبانوی شهبانوان) نائل گشت (Brosius, 2000, 134). شاپوردختگ مادر بهرام سوم، پسر و ولیعهد بهرام دوم است که به مدت کمتر از شش ماه شاه ایران بود و به دست نرسه به زیر کشیده شد.

## ۳. بهرام دوم و اهمیت انتخاب جانشینی مشروع

برتخت نشستن بهرام دوم آن‌گونه که شاید خود نیز توقع داشت بی دردسر نبود. نخست این‌که عمویش نرسه، مدت‌ها خود را شایسته تاج و تخت می‌پنداشت و از دیدگاه او می‌بایست پس از هرمز یکم حکومت نصیب وی می‌شد. نرسه فرزند شاپور یکم از بهرام دوم نیز بزرگ‌تر بود و حمایت برخی از خاندان‌ها و بزرگان را نیز با خود داشت. این موضوع برای بهرام دوم جوان،

### نقش زنان نژاده دربار در بر تخت‌نشینی ... (اسماعیل سنگاری و محمد توکلین) ۶۳

تهدیدی بسیار جدی و خطرناک به شمار می‌رفت. در همین احوال خبر شورش هرمز، شاه سگستان به او رسید، وی سپاهی قدرتمند در اختیار داشت و اینک مدعی درجه یک تاج و تخت به حساب می‌آمد. در مورد هویت واقعی این هرمز، دو فرضیه وجود دارد، نخستین بار هرتسفلد او را برادر بهرام دانست (Herzfeld, 1924: 42)، گیرشمن نیز بر همین عقیده بود (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۳۵۲-۳۵۳) و رجیبی او را برادر ناتنی هرمز یکم نامید (رجیبی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). اما لوکونین و فرای او را پسر شاپور میشان‌شاه و برادر شاپوردختگ دانسته‌اند (لوکونین، ۱۳۷۲: ۱۷۵؛ فرای، ۱۳۸۰: ۴۸۷). به احتمال، هرمز میشان‌شاه پسر ارشد شاپور میشان‌شاه، نوه شاپور یکم ساسانی و مادرش نیز به احتمال فراوان دینگ شهبانوی میشان بوده باشد (نصراله‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۲). او که خود را لایق‌تر از بهرام می‌دانست در اقدامی بی‌سابقه و جدایی طلبانه به جای استفاده از واژه ساده کوشان‌شاه، خود را کوشان شاهنشاه خواند (Rezakhani, 2017: 81).

به نقل از مامرتینوس، هرمزد، برادر کوچکتر بهرام دوم که پس از او شاه سگستان شده بود شورش کرد: «اورامیاس (Oramias) که تحت حمایت ساسیس‌ها (سکاها)، روفیس‌ها<sup>۲</sup> (کوشانیان) و گلیس‌ها (گیلانیان) بود به پارسیان و شاه آن‌ها حمله کرد، او اعتنایی به مقام برادری و شاه بودن برادرش نکرد» (Dodgeon/Lieu, 1999: 112). بنابر روایت مورخ رومی قرن چهارم میلادی، ویسکوس فلاویوس، هنگامی که امپراطور کاروس (۲۸۳-۲۸۲ م.) در حال تاخت‌وتاز در میان‌رودان بود ایرانیان به دلیل این‌که گرفتار یک درگیری و جنگ خانگی بودند نتوانستند در مقابل او از تیسفون دفاع کنند (بیوار، ۱۳۷۳: ۳۰۵). مورخ رومی دیگر، یوتروپیوس نیز تأیید می‌کند که کاروس با آگاهی و علم بر این‌که ایرانیان درگیر جنگی خانگی هستند تصمیم به نبرد با بهرام گرفت (Shahbazi, 1989: 516). به هر روی، فرستادن سفیر نیز راهگشای کار جهت جلوگیری از نبرد نشد، کاروس بدون این‌که مقاومت جدی از سوی ایرانیان متوجه او باشد، تیسفون را فتح کرد و بر خود لقب پیروزمندانۀ پارتیکوس ماکسیموس نهاد (شیپمان، ۱۳۹۰: ۳۰-۳۱؛ ویتتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۶؛ Potter, 2013: 514-522; Shahbazi, 1988).  
26. در همین اوضاع شورش در منطقه خوزستان توسط یک مؤبد به راه افتاد که از چند و چون آن و سرانجام مؤبد بی‌خبریم، اما به احتمال فراوان سرکوب شد (Daryaei, 2014: 11-12). چند سال بعد بهرام توانست با پیمان صلحی که میان او و امپراطور جدید روم، دیوکلسین نوشته شد تمام توان خود را صرف سرکوب شورش هرمز کوشان‌شاه نماید، او سرانجام هرمز را شکست داد و پسر نوجوانش، بهرام سوم را شاه سگستان نمود (Agathias, 1975: 127).

#### ۴. ضرب سکه‌های مشترک؛ اعلام جانشینی

بهرام دوم نخستین و تنها شاه ساسانی است که تصویر همسرش را در کنار خود بر سکه‌ها ضرب کرد و همان‌طور که پیش‌تر نیز به آن اشاره کردیم، این موضوع به احتمال فراوان در ارتباط مستقیم با رویدادهای آغاز فرمانروایی او بود. نگرانی وی از تهدیدات داخلی که در قالب شورش یا کودتای اعضای خاندان سلطنتی همواره وجود داشت و همچنین فشاری که از جانب رومیان با تسخیر تیسفون بر او وارد می‌شد باعث شد تا هرچه سریعتر به فکر انتخاب جانشین بیفتد. تا کنون چهار نمونه سکه از بهرام دوم شناسایی شده است: نوع نخست: تصویر بهرام دوم را به تنهایی در بر دارد. نوع دوم: تصویر شهبانو (به احتمال فراوان شاپور دختگ<sup>۳</sup>) نیز در کنار شاهنشاه به نمایش درآمده است. نوع سوم: در این نمونه سکه چهره بهرام دوم در کنار ملکه شاپوردختگ و در روبه‌روی آن‌ها تصویر جانشین و ولیعهد بهرام دوم که همان فرزند نوجوانش بهرام سوم باشد، ضرب شده است. نوع چهارم: بهرام سوم فرزند نوجوان بهرام دوم با صورتی بدون ریش روبه‌روی پدر به تصویر کشیده شده است (Curtis & Stewart, 2008: 25-26; Schindel, 2013: 831).

با توجه به رویدادهای پیش‌آمده برای بهرام دوم و اهمیت برگزیدن جانشینی مشروع، می‌توان زمان‌بندی ضرب چهار گروه از سکه‌های او را اینچنین دانست: الف. سکه‌های بهرام با تصویری از خود او و به تنهایی می‌بایست مربوط به سال‌های نخست فرمانروایی او یعنی میان ۲۷۴-۲۷۷ م. باشند. ب. به نظر می‌رسد ضرب سکه‌های مشترک به همراه شهبانو شاپوردختگ (Göbl, 1971: 43-45; Schindel, 2013: 831)، پس از انتقادات به نحوه قدرت رسیدن او و صرفاً جهت دادن مشروعیت به مقام شاهی بهرام بوده باشد. در سکه‌های دو نفره بهرام دوم و ملکه، نام او «شاپور دختگ، شهبانوی شهبانوان<sup>۴</sup>» درج شده است (لوکونین، ۱۳۶۵: ۱۷۳-۱۷۴ و Choksy, 1989: 122-124)، این نمونه سکه‌ها شاید میان سال‌های ۲۷۶ تا ۲۸۵ م. ضرب شده باشند.

با توجه به سن و سال بهرام دوم در هنگام بر تخت‌نشینی احتمال این‌که او به ویژه از شاپوردختگ فرزندی داشته، به حداقل می‌رسد. این موضوع را سکه‌های سه نفره بهرام، شهبانو و بهرام سوم تأیید می‌کنند. چهره بهرام بر روی برخی از آن‌ها، کودک خردسالی را نشان می‌دهد که نمی‌تواند بیش از هفت تا ده سال داشته باشد. نکته بسیار مهم و پر اهمیت نهفته‌شده در این نمونه سکه‌های بهرام دوم، اعلام ولیعهدی شاپوردختگ بر پشت سکه‌ها می‌باشد<sup>۵</sup> و این مطلب می‌تواند بیانگر جایگاه ویژه شهبانوی ساسانی در دربار، نه تنها برای شخص بهرام، بلکه



نفوذ و اعتباری که میان اشراف و بزرگان داشته، باشد. با این‌که تصویر بهرام سوم بر وری سکه ضرب شده، اما در پشت سکه این شاپوردختگ است که نماد ولیعهدی دارد. د. این نمونه سکه‌ها، بهرام دوم و در روبه‌رو ولیعهدش بهرام سوم را به تصویر کشیده‌اند (Göbl, 1971: 43-45; Schindel, 2013: 831). از آن‌جا که هم سن و سال بهرام سوم در این نمونه‌ها کمی بالغ‌تر و به گونه‌ای نوجوان ترسیم شده، از طرفی نماد ویژه ولیعهدی نیز بر تاج حیوانی شکل و پشت سکه‌ها در بالای سر او نقش بسته، می‌توان این زمان را اعلام رسمی ولیعهدی بهرام سوم و هم زمان با حکومتش بر سکستان، بدون نیاز به سرپرستی مادرش شاپوردختگ و احتمالاً میان سال‌های ۲۸۸-۲۹۳ م. تاریخ‌گذاری کرد.

#### ۵. سنگ‌نگاره‌های خانوادگی؛ بهرام، شاه خانواده‌دوست

یکی دیگر از راه‌هایی که برای اعلام عمومی تعیین‌جانشین از همسری که از خاندان ساسانی و تخمه شاپور شاه بود، حجاری سنگ‌نگاره‌های خانوادگی بود. همچون سکه‌ها، بهرام دوم در این بخش نیز از لحاظ پرداختن به خانواده در جایگاه نخست قرار دارد. از بهرام دوم ده سنگ‌نگاره قطعی و دو تا به طور تقریبی منسوب به او شناسایی شده است. دو نگاره گویم (لوکونین، ۱۳۶۵: ۳۱۸; Herzfeld, 1926: 250) و برم دلک ۱ (Overlaet, 2010: 151; Von Gal, 2008: 42) Erdmann, 1949: 52; Hermann, 2000: 340. او را به طور خصوصی و منفرد به تصویر کشیده‌اند. در سنگ‌نگاره سراب بهرام در میان درباریان جای دارد (Shmidt, 1970: 132; Overlaet, 2010: 79; De Wale, 1977: 533; Hermann, 2000: 41; Hearinck, 2009: 79). در تنگ چوگان کازرون در دو صحنه جداگانه پیروزی‌اش بر هرمز کوشان‌شاه (لوکونین، ۱۳۶۵: ۳۱۹; موسوی حاجی و سرفراز، ۱۳۹۶: ۱۳۲-۱۴۲) و احتمالاً اعراب نقش بسته (شراتو، ۱۳۸۳: ۷۲; شپرد، ۱۳۸۷: ۵۹۷) و اندنبرگ، ۱۳۷۹: ۵۶; Weber, 2009: 605-607; Canepa, 2013: 857; Grabowski, 2009: 30) در سنگ‌نگاره نقش رستم ۳ نیز در حال پیروزی بر دشمن نمایش داده شده است (Vanden Bergh, 1984: 82; Grabowski, 2009: 33; Canepa, 2013: 868). اما او نخستین و شاید تنهاترین شاه ساسانی است که توجه ویژه‌ای به خانواده داشته و سنگ‌نگاره‌های متعددی در ارتباط با همسر و فرزندش به یادگار نهاده، چهار سنگ‌نگاره نقش رستم ۲، سرمشهد، برم دلک ۲ و تنگ قندیل که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت بهرام دوم را در کنار خانواده‌اش به ما نشان می‌دهند.

## ۱.۵ سنگ‌نگاره نقش رستم ۲

در این سنگ‌نگاره، بهرام به صورت تمام قد در میان درباریان که در دو سوی او و نیم تنه تصویر شده‌اند، قرار گرفته است. در سمت راست بهرام پنج نفر و سمت چپ او سه نفر حضور دارند (لوکونین ۱۳۶۵: ۳۲۰). گویب با توجه به سه نفری که سمت راست بهرام دوم ایستاده و کلاه‌های خاص (گرد بلند و تاج حیوان شکل) بر سر دارند که معمولاً در ارتباط با مقام ولیعهدی می‌باشد، هر سه آن‌ها - که یک بانو نیز جزو شان می‌شود - را ولیعهد می‌داند که به گونه‌ای تعداد ولیعهدها و در آخر انتخاب یکی از آن‌ها را نشان می‌دهد (Göbl, 1968: 44). پس از شهبانو دو شاهزاده قرار دارند که هر دو بدون ریش و جوان هستند. هینتس شاهزاده‌ای که بلافاصله پس از شهبانو ایستاده را بهرام سوم و نفر بعدی را که کلاهی سر یوزپلنگ نشان بر سر دارد، برادر ناتنی و بزرگتر بهرام سوم از زن اول بهرام دوم می‌داند (Hinz, 1969: 194). در مورد هویت پنجمین شخص در سنگ‌نگاره تقریباً بیشتر پژوهشگران بر یک عقیده‌اند؛ اشمیت، کریستن‌سن، زاره و هینتس وی را نرسه، آخرین فرزند شاپور یکم و عموی بهرام دوم می‌دانند (کریستن‌سن، ۱۳۶۷: ۲۵۵؛ هینتس، ۱۳۸۵: ۲۶۴؛ Schmidt, 1977: 130; Sarre, 1910: 73). تنها وندایی او را وهنام پسر تروس که در زمان بهرام سوم قدرت زیادی داشت و بر علیه نرسی اقداماتی انجام داد، معرفی می‌کند (وندایی، ۱۳۹۸: ۱۱۳).

## ۲.۵ سنگ‌نگاره سرمشهد کازرون<sup>۷</sup>

در این سنگ‌نگاره، بهرام دوم در حال حفاظت از خانواده خود در برابر حمله دو شیر نر می‌باشد. او شیر اول را از پای در آورده و خنجر خود را در شکم شیر دوم که در حال جهش به سمت بهرام است فرو کرده است. همچنین با دست چپ خود، دست راست بانویی که پشت سرش قرار گرفته و به گونه‌ای به او پناه آورده را گرفته. بانو با کلاه گرد نم‌دلی بلندی به تصویر کشیده شده، در میان شاه و بانو شخصی دیگر که او نیز کلاه گرد و نم‌دلی بلندی به سر دارد و دست راست خود را به حالت احترام بالا آورده، جای گرفته که با توجه به نماد قیچی که بر کلاهش دارد باید موبد بزرگ روزگار بهرام کرتیر باشد. پشت سر ملکه جوانی تصویر شده که دست چپش بر قبضه شمشیر و دست راستش را به نشانه احترام بالا آورده است. هر چند جزئیات چهره او به دلیل فرسایش از بین رفته، اما هنوز می‌توان تشخیص داد که او نیز کلاه بلندی بر سر دارد. با توجه به تاج شاه حاضر در تصویر که به وضوح مربوط به بهرام دوم است، اغلب پژوهشگران این نقش را متعلق به وی دانسته، بانوی نام برده را شهبانو

نقش زنان نژاده دربار در بر تخت نشینی ... (اسماعیل سنگاری و محمد توکلیان) ۶۷

شاپوردختگ، همسر بهرام دوم معرفی نموده‌اند<sup>۸</sup> (لوکونین ۱۳۶۵: ۳۱۸-۳۱۹؛ Herzfeld, 1928: 324-327; Von Gal, 1977: 151; Tanabe, 1990: 35; Bivar, 1979: 137). لازم به ذکر است که عده‌ای از پژوهشگران، بانوی حاضر در این سنگ‌نگاره را ایزدبانو آناهیتا معرفی کرده‌اند (سامی، ۱۳۸۹: ۱۲۵؛ بویس، ۱۳۸۶: ۱۴۵؛ مصطفوی، ۱۳۴۳: ۳۶؛ Trumplemann, 1975: 109).

### ۳.۵ سنگ‌نگاره برم دِلک ۲

این سنگ‌نگاره که در نزدیکی شیراز واقع شده، دو نفر را به نمایش گذاشته، در سمت راست شخصی که در قامت یک شاه ساسانی به تصویر کشیده، دست راست خود را دراز کرده و در حال تقدیم شی‌ای که احتمالاً نوعی گُل است به بانوی که در سمت چپ حضور دارد، می‌باشد و زن هر دو دست خود را به سمت گُل بالا آورده است. بانوی حاضر در نقش در قامت یک شهبانوی درباری به تصویر درآمده است. پوشاک شاهانه او خبر از رتبه و جایگاه والایش دارد، ضمن این‌که در پشت موهای او روبان شاهانه به اهتزاز درآمده که نشانه بارزی از تعلق او به خاندان شاهی است. اگرچه مرد تصویر شده در این نگاره هیچ‌گونه تاج شاهانه شناخته شده‌ای که بتوان در تشخیص هویت او به ما کمک کند بر سر ندارد، اما واندنبرگ (80: 1984)، شهبازی (59-63: 1998)، لوکونین (۳۱۷: ۱۳۶۵)، کانپا (858: 2013)، شرانو (۱۳۸۳: ۷۲) با بررسی نقش بانوی حاضر در نگاره به این نتیجه رسیده‌اند که وی باید شاپوردختگ<sup>۹</sup> همسر محبوب بهرام دوم باشد.

### ۴.۵ سنگ‌نگاره تنگ قندیل کوه چنار<sup>۱۰</sup>

این سنگ‌نگاره نیز درست مانند نگاره برم دِلک در شیراز می‌باشد، با این تفاوت که اینجا بانو در حال دادن گُل یا شی‌ای جامی شکل به شاه است، پژوهشگرانی چون گیرشمن (75: 1972) (79، واندنبرگ (80: 1984)، فرای (190: 1974)، هرمان و کرتیس (371-372: 2002) (Hermann & Curtis, 2002: 76)، کانپا (858: 2013)، حسنی (۷۳: ۱۳۹۳) این نقش برجسته را متعلق به بهرام دوم ساسانی می‌دانند که در کنار همسرش شاپوردختگ و ولیعهدش بهرام سوم به تصویر کشیده شده است. دوواله این نقش را نیز متعلق به بهرام دوم دانسته البته او بانوی حاضر را ایزد بانو آناهیتا می‌داند (De Waele, 1978: 9-32). هیئتس این نقش را متعلق به بهرام یکم و نلسون فرای آن را به

هرمز یکم منسوب و لویت تاویل شاه مورد نظر را اردشیر یکم می‌دانند (Hinze, 1973: 201-212); وندایی نیز با مقایسه نگاره‌های نرسی با یکدیگر، نتیجه می‌گیرد که فرد حاضر در نقش نرسی پسر شاپور یکم است که در حال گل دادن به مادر خود آذرآناهیتا می‌باشد، او فردی که پشت سر نرسی ایستاده را با توجه به تاج حیوان شکل، بهرام سوم معرفی می‌کند (وندایی، ۱۳۹۸: ۳۸۴). موسوی حاجی و سرفراز با مقایسه موزائیکی که از بیشاپور به دست آمده و نقش بانوی حاضر در نقش بر این باورند که نگاره تنگ قندیل باید متعلق به یک صحنه خانوادگی شاپور یکم با حضور فرزندش هرمز و همسرش آذرآناهیتا باشد (موسوی حاجی و سرفراز، ۱۳۹۶: ۱۴۴-۴۵).

### ۶. مسئله مشروعیت در میان شاهان نخستین ساسانی

بنابر نظر بروسیوس، شاه ساسانی می‌بایست از اعضای خاندان شاهی باشد، نخست‌زادگی یا پسر اول بودن معیار لازم برای دستیابی به پادشاهی به شمار نمی‌آمد، ولی در تمام دوره پادشاهی ساسانیان شرط اصلی برای رسیدن به تاج و تخت آن بود که نامزد شاهی از تبار خاندان شاه باشد (بروسیوس، ۱۳۸۸: ۲۱۰). جلیلیان عنوان می‌کند که هنوز نمی‌توان در باب پایگاه خاندانی مادران در به تخت نشستن شاهزادگان نظر قطعی داد، اما می‌شود گمان برد که در دوره ساسانی، فرزندان نژاده‌ترین زن پادشاه، امید بیشتری برای گرفتن تاج و تخت داشته‌اند (جلیلیان، ۱۳۸۷: ۱۱۰). ویسهوفر نیز در تأیید داشتن تبار شاهانه و نژاده بودن عقیده دارد که در دوره متأخر ساسانی معیار واقعی بزرگی برای اشراف ایرانی، بیش از هر چیز تبار بود نه عنوان یا امتیاز سلطنتی (ویسهوفر، ۱۳۹۰: ۲۱۶). این جمله که مادر شاه آینده باید کسی از خاندان شاهی باشد نکته‌ای است که معمولاً در مسئله قدرت و جانشینی کمتر به آن پرداخته‌اند. اگر بخواهیم مروری بر نسب و جایگاه مادران شاهزادگانی که پس از پدر به تاج و تخت رسیده‌اند داشته باشیم، در جایگاه نخست «مورود بانو» همسر اردشیر و مادر شاپور یکم قرار می‌گیرد، او در فهرست درباریان دوره اردشیر، مقامش از تمام زنان دربار بالاتر است و این اعتبار را به احتمال زیاد مدیون نسب خاندانی‌اش بود<sup>۱۱</sup>.

در میان زنان دربار شاپور یکم، دو بانو، یکی خورانزیم دارای عنوان «شهبانوی شهر یا کشور» و به احتمال فراوان از یک خاندان اشرافی و پر نفوذ و دیگری آذرآناهیتا دارای عنوان «ملکه ملکه‌ها» دختر و احتمالاً همسر شاپور، دارای مقام و جایگاهی ویژه هستند که قدرت فوق‌العاده‌ای در اختیار آن‌ها قرار می‌داده است و همین موضوع باعث شده تا پژوهشگران آن‌ها

را همسران شاپور یکم و مادر هرمز، شاه پسین بدانند. اما داشتن نسب و خون شاهانه از جانب مادر برای بهرام یکم بیش از هر کس دیگری مسئله‌ساز شد. از نشانیدن آتش خسرو توسط پدرش شاپور برای او تا سپردن منطقه‌ای کم‌اهمیت چون گیلان به دست وی، برخی از پژوهشگران را بر آن داشت تا بحث اصالت خاندانی مادر بهرام را پیش کشیده، او را فاقد صلاحیت برای داشتن فرزندی که بر تخت تکیه زند، بدانند.

هرچند برخی از پژوهشگران چون جلیلیان و گیزلن بحث نشانیدن آتش را فرضی بر به دنیا نیامدن یا خردسال بودن بهرام در زمان نگاشته‌شدن کتیبه می‌دانند (جلیلیان، ۱۳۹۷: ۱۱۳؛ Gyselen, 2013: 29-30)، اما یک پرسش مهم در این رابطه به وجود می‌آید و آن این است که اگر بهرام یکم کوچک‌ترین فرزند شاپور بوده پس چرا نام او در فهرست دوم در ابتدا و پیش از سه فرزند دیگر شاپور آمده؟ دلیل آن تنها می‌تواند به جایگاه مادر او و احتمال تعلق نداشتنش به خاندان ساسانی مربوط باشد. افزون بر آن، یک نکته را باید در نظر داشت که نشانیدن آتش خسرو و دادن خیرات برای روان افراد دو موضوع کاملاً متفاوت از یکدیگرند. نشانیدن آتش احتمالاً یک رسم و مختص فرزندی بوده که از مادری اصیل و وابسته به خاندان ساسانی متولد شده باشند که مشمول بهرام یکم نمی‌شد. اما چنانچه می‌بینیم او در فهرست کسانی که شاپور برای روان‌شان خیرات می‌دهد به عنوان پسر ارشد جایگاه نخست را در میان شاهزادگان به خود اختصاص داده است. البته اشاره به رتبه پایین‌تر مادر بهرام نباید برداشتی منفی در مورد جایگاه او تلقی شود. همانطور که از متن کتیبه شاپور یکم برمی‌آید او شاه گیلان است، لوکونین نام وی را بر یک نگین با عنوان شاه کرمان نیز تصدیق کرده (لوکونین، ۱۳۶۴: ۱۰۰-۱۰۱)، که می‌تواند بیانگر تجربه بالای او در حکومت بر نواحی مختلف شاهنشاهی باشد. با مرگ غیرمنتظره هرمز ورق به نفع بهرام یکم برگشت و اینک او بود که با توجه به سن و سالی که داشت در غیاب پدرش شاپور و برادران قدرتمندش هرمز و شاپور می‌شان‌شاه، با پس‌زدن نرسه<sup>۱۲</sup> جوان و البته با کمک کردیر مَغ و تأیید بخشی از اشراف و بزرگان بر تخت سلطنت تکیه زد (دوشن‌گیمن، ۱۳۷۷: ۳۰۹؛ Shahbazi, 1988: 514-522). هرچند نرسی در ظاهر تن به این جانشینی داد، اما در باطن او را به چشم یک غاصب می‌نگریست، نرسه سال‌ها بعد نارضایتی‌اش را با مصادره سنگ‌نگاره بهرام یکم به نام خود علنی کرد (Shahbazi, 1988: 519). بهرام یکم هرچند نتوانست مدت زیادی (۲۷۴-۲۷۱ م.) بر ایران حکومت کند اما در همین زمان اندک شرایط را برای بر تخت‌نشینی فرزندش بهرام دوم مهیا کرد.

متأسفانه هیچ‌گونه آگاهی نسبت به همسر بهرام یکم و مادر بهرام دوم در دست نیست، اما اوضاع آشفتگی و وضعیت نابسامان کشور پس از اعلام شاهنشاهی او می‌تواند بیانگر اختلاف و چند دستگی میان بزرگان و اشراف در مورد مشروعیت بهرام دوم برای در دست گرفتن مقام سلطنت باشد. رجیبی به خوبی اشاره می‌کند که بهرام‌اول درست پس از شورش برادرش یعنی هرمز علیه او، در برگزیدن و اعلام جانشین خود درنگ نکرد (رجیبی، ۱۳۸۷: ۱۲۶). در این میان موضوعی که توانست به این شاه ساسانی برای آرام‌تر کردن شرایط کمک کند، تجربه او در مورد پدرش بود. وی به خوبی می‌دانست که اگر بخواهد جایگاهی مشروع برای خود و جانشینش دست‌وپا کند می‌بایست همسری نژاده و از درون خاندان سلطنتی اختیار نماید. این شخص شاپوردختگ، دختر شاپور میشان‌شاه و نوه شاپوریکم بود، کسی که اعتبار لازم برای بستن دهان مخالفان داخلی و حمایت و پشتیبانی از ولیعهد آینده را به طور فوق‌العاده‌ای در اختیار داشت.

عنوان «شهبانوی شهبانوان» در منابع برای دینک (دختر بابک و خواهر اردشیر)، همچنین برای آذرآناهید (دختر و همسر شاپور) و شاپوردختگ (همسر بهرام دوم و احتمالاً دختر شاپور میشان‌شاه) آمده است. احتمالاً منظور از این لقب سلسله مراتبی در میان زنان دربار باشد، سلسله مراتبی که در ضمن آن دختر یا خواهر شاه بالاترین رتبه را در میان شهبانوان داشت (بروسیوس، ۱۳۸۸: ۲۲۴). سودآور در نظری متفاوت شاپوردختگ را دختر شاپور معرفی می‌کند و عقیده دارد که او بوده که بهرام دوم را به تاج‌وتخت رسانده و سپس با وی ازدواج کرده است. او دلیل این امر را پیروزی‌های شاپور یکم بر امپراتوران روم و فرهی که از این طریق به او رسیده بود عنوان می‌کند. در واقع، بهرام با ازدواج با شاپوردختگ از دو سو صاحب فره شاپور می‌گشت و بدین‌گونه از نرسه که تنها از یک سو میراث بر شاپور بود پیشی می‌گرفت، او در ادامه گرویدن شاپوردختگ به نرسه را دلیل فرهمندی و شاه شدنش می‌داند (سودآور، ۱۳۸۴: ۹۷-۹۸). همان‌گونه که پیش‌تر نیز به آن اشاره کردیم، قدرت شاپوردختگ به اندازه‌ای زیاد بود که احتمالاً برای مدت بیش از ۱۰ سال (از حدود ۲۸۰ تا ۲۹۰ م.)، مقام ولیعهدی را تا به سن بلوغ رسیدن بهرام سوم در اختیار داشت و این موضوع از طریق انتشار سکه‌های مشترک بهرام و شهبانو شاپوردختگ و نقر سنگ‌نگاره‌های متعدد به اطلاع عموم نیز رسیده بود. البته بنابر عقیده هیئتس، بهرام فرزند دیگری از زن نخست خود، «اردشیر آناهید»، که احتمالاً خواهرش نیز بوده و در هنگام زایمان از دنیا رفته نیز داشته است. او سومین نفر در

سنگ‌نگاره بهرام و درباریان در نقش‌رستم را همان فرزند اردشیر آناهید می‌داند (Hinze, 1969: 217-218).

هرچند با حضور شاپوردختگ و حمایتی که از فرزند خود، بهرام سوم می‌کرد، دیگر جایی برای عرض اندام این فرزند باقی نمی‌ماند، امری که احتمالاً مورد تأیید شخص بهرام دوم نیز بوده است. شاید بهترین مثال برای قدرت و نفوذ زنان اصیل و نژاده در دوران باستان را بتوان در آتوسا، همسر داریوش و مادر خشیارشا جستجو کرد؛ هرودوت در باب تعیین جانشین داریوش که قبل از سفر جنگی او برای سرکوب شورش مصر به وقوع پیوسته بود چنین می‌آورد: «در میان فرزندان داریوش نزاع برای جانشینی بالا گرفت، آرتوبرزنس (اردوان) اعلام می‌کرد که او پسر ارشد تمام اعقاب (پادشاه) است و خشیارشا اصالت خاندانی خود را مطرح می‌کرد که از طریق مادر به کوروش بنیانگذار امپراطوری می‌رسید (بریان، ۱۳۸۶: ۱۰۹۰-۹۱).

## ۷. نتیجه‌گیری

با بررسی وضعیت زنان در دوره بهرام دوم ساسانی و نقش زنان نژاده در اعمال نفوذ و تأثیرگذاری بر روی مسائل مهم مملکتی که تعیین و انتخاب جانشین شاه یکی از با اهمیت‌ترین آنان بود، می‌توان دید بهتری نسبت به ساختار قدرت در این دوران داشت. اگرچه منابع دوران اسلامی از وجود انجمن‌های دائمی شاه‌گزینی متشکل از روحانی اعظم، دبیر بزرگ و فرمانده سپاه که وظیفه آن‌ها مشورت و انتخاب شاه آینده از میان شاهزادگان دربار بود خبر می‌دهند، اما تحقیقات بیانگر گزیدن ولیعهد توسط شخص شاه ساسانی و در زمان حیات وی بوده است. از میان شاهان نخستین ساسانی، افرادی چون شاپوریکم، بهرام دوم و بهرام سوم به صورت مستقیم از جانب پدر به ولیعهدی انتخاب شده بودند. در این بین شاهانی چون بهرام یکم، بهرام دوم و نرسه نیز هر کدام به گونه‌ای خود را شاهان برحق و دارای صلاحیت برای بر تخت‌نشینی می‌دانسته‌اند.

با نگاهی اجمالی به وضعیت زنان حرمسرای شاهان فوق‌الذکر با نام‌هایی چون دینگ‌بانو، مورودبانو، آذراناهید شهبانوی شهبانوان، خورانزیم شهبانوی کشور، شاپوردختگ ملکه ملکه‌ها و شاپوردختگ ملکه سکاها برمی‌خوریم که هرکدام از آن‌ها دارای مقام و جایگاه ویژه در دربار زمان خود بوده‌اند. این زنان همگی همسران شاهان بر تخت و مادران شاهان آینده هستند که وجودشان در کنار شاهان ساسانی باعث اعتبار و مشروعیت آن‌ها می‌شد. از میان آنان شاپوردختگ، دختر شاپور میشان‌شاه، نوه شاپور یکم، همسر بهرام دوم و مادر بهرام سوم

ساسانی، برجسته‌ترین نقش و شخصیت را دارا بودند. شواهد سکه‌شناسی نشان می‌دهند که شاپوردختگ برای مدتی حتی به عنوان ولیعهد تا به سن بلوغ رسیدن فرزندش بهرام سوم، برگزیده شده بود. چهره او برای نخستین بار در دوره ساسانی بر روی سکه‌ها پدیدار گشت و پیکره او در سنگ‌نگاره‌ها به تصویر کشیده شد. وجود شاپوردختگ برای سلطنت بهرام دوم به حدی اهمیت داشت که مشروعیت برای بر تخت نشینی‌اش را مدیون وی باشد. شاید بتوان نقش ایزدبانو آناهیتا را در این باره بی‌تأثیر ندانست. سرپرستی معبد بزرگ آناهیتای شهر استخر از دیرباز بر عهده نیاکان ساسان بود و این مسئولیت با قرارگرفتن نهاد شاهنشاهی در خاندان او نیز همچنان ادامه یافت. به همین خاطر می‌توان تصور کرد که توجه ویژه ساسانیان به زنان، برخاسته از روحیه زن‌دوستی و جامعه زن‌سالاری این خاندان باشد. باید به این نکته نیز توجه داشت که زنان ساسانی به ویژه در دوران نخستین خود را یغانو می‌پنداشته‌اند، اگر چنان‌که شاهان ساسانی خود را تجلی و به گونه‌ای جلوه‌ای خدا تصور می‌کرده‌اند، پس همسر، مادر و خوه‌ران او نیز مرتبه‌ای خدای گونه برای خود متصور بوده‌اند.

## پیوست‌ها





نقش زنان نژاده دربار در بر تخت نشینی ... (اسماعیل سنگاری و محمد توکلین) ۷۳



تصویر ۱. چهار نمونه مختلف از سکه‌های بهرام دوم؛

برگرفته از: CNGCoins.com / Numisbids. Com



تصویر ۲. دو نمونه از سکه‌های سه نفره بهرام دوم که در آن با وجود حضور بهرام سوم،

مادرش شاپوردختگ در پشت سکه دارای نماد ولیعهدی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر ۳. سنگ نگاره تنگ قنديل بهرام دوم؛  
عکس از محمد توکلیان.



تصویر ۴. سنگ نگاره برم دلك ۲ بهرام دوم؛  
عکس از محمد توکلیان.

نقش زنان نژاده دربار در بر تخت نشینی ... (اسماعیل سنگاری و محمد توکلیان) ۷۵



تصویر ۵. سنگ نگاره سر مشهد کازرون بهرام دوم؛  
عکس از اسماعیل سنگاری.



تصویر ۶. سنگ نگاره بهرام دوم در میان درباریان در نقش رستم مرودشت؛  
عکس از اسماعیل سنگاری



## پی‌نوشت‌ها

۱. هیتس و گرد گروپ به هنگام کاوش در برم دلک کتیبه‌ای را یافتند که بخشی از آن این‌گونه ترجمه شده است: «این پیکر اردشیر آناهید دختر بهرام است» (Hinz, 1969: 217-218).
  ۲. مارکوارت این اسامی را اینگونه می‌آورد: «بهرام از جانب سکاها، کوشانیان، گل‌ها حمایت می‌شد. این‌که او مورد سوم را نه گیل‌ها که گل‌ها معرفی می‌کند جای‌تعمیل دارد (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۸۲).
  ۳. پوشش سر ملکه در سکه‌ها متفاوت است، به‌طور گوناگون سر گراز، سر شیردال، سر اسب و عقاب مورد استفاده قرار می‌گرفته (Curtis & Stewart, 2008: 26). البته لوکونین برخی از این چهره‌ها را سگ و پرندۀ وحشی عنوان کرده است (لوکونین، ۱۳۶۴: ۲۸۸). همچنین برای آگاهی بیشتر به مقاله مفصل پروفیسور گیزلن مورد بهرام سوم رجوع کنید:
- Gyselen, R. (2013). 'Vahram III and the rock relief of Naghsh-I Rostam II: A Contribution to the Iconography of Sasanian crown prince in the Third Century', *Abstracta Iranica*, vol. 32-33.
4. Šhypwhrdwhrtky ZY MLKT,n MLKT
  ۵. در نمونه‌های دیگر تصویر ایزدبانو آناهیتا و میثره نیز وجود دارد که در حال دادن تاج شاهی به بهرام هستند (Göbl, 1971: 43-45; Shahbazi, 1988b: 516).
  ۶. برای مطالعه بیشتر نک:
- Overlaet, B. (2009). "A Himyarite diplomatic mission to the Sasanian court of Bahram II depicted at Bishapur", *Arabian Archaeology and Epigraphy*, 2009: 20, pp.218-221.
۷. این نقش برجسته در طول ۲۹.۱۷.۶۳ و عرض جغرافیایی ۴۱.۵۱.۵۱ و با ارتفاع ۸۵۶ متر از سطح دریا قرار دارد. برای رسیدن به این اثر در مسیر جاده کازرون به بالاده و بر سر دوراهی بیدزرد، با گذر از روستاهای دادین علیا و سفلی، در انتهای جاده به مسیر سرمشهد می‌رسیم (وندایی، ۱۳۹۸: ۳۸۳).
  ۸. لوکونین با بررسی نوع کلاه بانوی حاضر در نقش و بانوی به تصویر کشیده شده بر سکه‌های بهرام، بر این باور است که کلاه این بانو با تصویر سکه‌های نوع II بهرام همخوانی دارد (لوکونین، ۱۳۶۵: ۲۸۵).
  ۹. لوکونین نیز این نقش را مربوط به دورۀ بهرام دوم می‌داند. او بانوی حاضر را شاپوردختک معرفی می‌کند که در حال گرفتن گُل از کرتیر مغ است (لوکونین، ۱۳۶۵: ۳۱۷).
  ۱۰. نقش برجسته تنگ قندیل در سر راه جاده کازرون به نورآباد ممسنی با طول و عرض جغرافیایی E 51.34.03 و N 29.53.02 و در روستای تنگ قندیل قرار گرفته است (وندایی، ۱۳۹۸: ۳۶۶). لازم به ذکر است این سنگ نگاره امروزه جزو شهرستان کوه‌چنار است.
  ۱۱. نام مورود بانو در میان دو ویسپوهر یعنی پیروز و نرسی جای گرفته، عنوان مورود بانو نه فقط او را مادر شاهپور نشان می‌دهد بلکه غیر مستقیم وی را همسر اردشیر نیز معرفی می‌کند (نصرالزاده، ۱۳۸۴: ۱۸۴).

## نقش زنان نژاده دربار در بر تخت نشینی ... (اسماعیل سنگاری و محمد توکلیان) ۷۷

۱۲. وبر عقیده دارد که بهرام ضمن گفتگو با نرسی، حکومت بر ارمنستان را به او پیشنهاد داده بود به شرطی که از ادعایش مربوط به تاج و تخت دست بردارد (Weber, 2016: 23).

### کتابنامه

- بروسیوس، ماریا (۱۳۸۸). ایران باستان، ترجمه عیسی عبدی. تهران: ماهی.
- بریان، پی‌یر (۱۳۸۶). تاریخ امپراطوری هخامنشیان، ج دوم، ترجمه مهدی سمسار، تهران: فرزانه روز و قطره.
- جلیلیان، شهرام (۱۳۸۷). شاه‌گزینی در دوره ساسانی؛ فرآیند شاه‌گزینی در نامه تنسر به گشنسب، مجله تاریخ ایران، شماره ۵۹/۵.
- جلیلیان، شهرام (۱۳۹۷). تاریخ تحولات سیاسی ساسانیان، تهران: سمت.
- حسینی، میرزا محمد (۱۳۹۳). نقش برجسته‌های نویافته ساسانی، تهران: نشر ققنوس.
- دوشن‌گیمن، ژاک (۱۳۷۷). دین زرتشت در تاریخ ایران. کمبریج: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، ج ۳، قسمت دو، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۷). هزاره‌های گم شده، جلد پنجم: ساسانیان. تهران: توس.
- روشن‌ضمیر، بهرام (۱۳۹۱). نقدی بر درآمدی بر نظام جنسیت و نابرابری اجتماعی در ایران ساسانی، مجله کدوکاو: ژورنال تخصصی باستان‌شناسی دانشگاه همدان، شماره ۱۱، بهار و تابستان.
- سامی، علی (۱۳۸۹). تمدن ساسانی، ج دوم، تهران: سمت.
- سودآور، ابوالعلاء (۱۳۸۴). فره ایزدی، تهران: نی.
- شراتو، امبرتو (۱۳۸۳). هنر اشکانی و ساسانی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- شهبازی، علیرضا شاپور (۱۳۹۸). تاریخ ساسانیان، ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شییمان، کلاوس (۱۳۹۰). مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: فرزانه روز.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۳). تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- کریستن‌سن، آرتور امانوئل (۱۳۶۷). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب.
- گیرشمن، رومن (۱۳۹۰). هنر ایران در دوران اشکانی و ساسانی، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: علمی و فرهنگی.
- لوکونین، ولادیمیر گریگوریچ (۱۳۶۴). تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: علمی و فرهنگی.
- مجملة التواریخ والقصاص (۱۳۸۳). به تصحیح محمد تقی بهار، تهران: دنیای کتاب.
- مصطفوی، سید محمد تقی (۱۳۴۳). نقوش ساسانی در فارس، انجمن فرهنگ ایران باستان، دوره ۱، شماره ۳.
- موسوی‌حاجی، رسول و علی‌اکبر سرفراز (۱۳۹۶). نقش برجسته‌های ساسانی، تهران: سمت.

نصراله‌زاده، سیروس (۱۳۸۶). نام تبارشناسی ساسانیان از آغاز تا هرمزد دوم، تهران: پژوهشکده زبان و گویش با همکاری اداره کل امور فرهنگی.

وندایی، میلاد (۱۳۹۸). شاهان بر سنگ، اصفهان: مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی واحد صنعتی.

ویدن‌گرن، گئو (۱۳۷۸). فتودالسم در ایران باستان. ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: قطره.

ویسهوفر، یوزف (۱۳۹۰). ایران باستان (از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد)، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.

ویتر، انگلبرت؛ دیگناس، بئاته (۱۳۸۶). روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی، ترجمه کیکاووس جهانگیری. تهران: فرزانه‌روز.

هینینگ، والتر برونو (۱۳۷۳). آخرین سفر مانی، آیین گنوسی و مانوی، ویراسته میرچا الیاده، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: فکر روز.

هیئتس، والتر (۱۳۸۵). یافته‌های تازه از ایران باستان، ترجمه پرویز رجبی، تهران: ققنوس.

یارشاطر، احسان (۱۳۸۷). کلیات عبید زاکانی، به کوشش محمدجعفر محبوب، نیویورک: Bibliotheca Persica press

یوزف، مارکوارت (۱۳۷۳). ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: اطلاعات.

Bivar, A.D.H. (1979). "The Absolute Chronology of the Kushano-Sasanian Governors in Central Asia", G. Hermatta(ed.). *Prolegomena to the Sources in the History of Pre-Islamic Central Asia*, Budapest, p. 317-332.

Brosius, M. (2000). "Women in Pre-Islamic Persia", *Encyclopaedia Iranica*.

Canepa, M. (2013). "Sasanian Rock Reliefs", in: D.T. Potts(ed.), *The Oxford Handbook of Ancient Iran*, Oxford University Press, p. 856- 877.

Chamout, M.L. (1963). "A Propos de quelques personnages féminins figurant dans l'inscription trilingue de Šāhpuhr I<sup>er</sup> a la Ka'aba de Zoroastre", *Journal Near Eastern Study* 22, p. 194-199.

Choksy, J.K. (1989). "A Sasanian monarch, his queen, crown prince and deities: the coinage of Wahram II", *American numismatic society*, p. 117-135.

Curtis, V.S. and Stewart, S. (2008). *The Sasanian era*, I. B. Tauris.

Daryaei, T. (2014). *Sasanian Persia: The Rise of an empire*, I.B Tauris.

De Waele, E. (1977). «Nouvelles miettes de sculpture rupestre sassanide a Naqsh-e Rostam», *Syria*, Tome 54. Fascicule 1-2: 65-88.

De Waele, E. (1978). "Sur le bas-relief sassanide de Tang-e Qandil et li bas-relief au couple de Barm-I Dilak", *Revue des archéologues et historiens d'art de Louvain*, 11: 9-32.

Erdmann, K. (1948). "Sasanidische Felsreliefs-Römische Historienreliefs", in *Antike und Abendland*, *Beiträge zum Verständnis der Griechen Römer und ihres Nachlebens*, vol. 111: 75- 87.

نقش زنان نژاده دربار در بر تخت‌نشینی ... (اسماعیل سنگاری و محمد توکلیان) ۷۹

- Erdmann, K. (1950). "De Sasanidischen Felsreliefs von Barm I Dilak", *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*, 99 (1945-1949): 50-57.
- Overlaet, B. (2010). "Flower and Fire Altar. Fact and fiction on the Barm-I Dilak reliefs", *Iranica Antiqua vol. XLV*, p. 337-352.
- Frye, R.N. (1974). «The Sasanian bas-relief at Tang-i Qandil», *Iran* 12: 188-190.
- Ghirshman, R. (1972). «Un nouveau bas-relief sassanide», *mélanges G.Widengern II*, p.75-79.
- Gignoux, Ph. (1984). "Pour une nouvelle histoire de l'Iran Sassanids", *Middle Iranian studies proceedings of the International symposium organized by the Katholieke Universiteit Leuven*, p. 253-262.
- Gignoux, Ph. (1986). *Noms propres Sassanides en moyen-persé épigraphique Iranisches Personennamenbuch II, 2*, Wien.
- Gignoux, Ph. et Gyselen, R. (1989). "Sceaux de femmes à l'époque Sassanide". in *Archaeologia Iranica et Orientalis*. Tome. II, Gent 1989. Pp. 877-896.
- Gignoux, Ph. (1991). «Les Quatre Inscriptions Du Mage Kirdir: Textes et Concordances Paris», *Cahier Studia Iranica 9*.
- Gignoux, Ph. (1994). "Dēnag", *Encyclopaedia Iranica*, vol. VII, F. 3, P. 282.
- Göbl, R. (1971). *Sasanian Numismatics*, trans. by Paul Severin, Vienna, Klinkhardt & Biermann.
- Grabowski, M. (2009). "Wczesno Sasanid z Kie Relief Skalne Iranu", *Studia Materialy Archeologiczne*, Tom 14: 17-53.
- Gyselen, R. (2013). "Vahram III and the rock relief of Naghsh-e Rostam II", A Contribution to the Iconography of Sasanian crown prince in the Third Century, *Abstract Iranica*, vol. 32-33.
- Haernick, E. and Overlaet, B. (2009). "The Sasanian Rock Reliefs of Bahram II at Guyum (Fars, Iran)", *Iranica Antiqua 44*: 531-558.
- Harmatta, J. (1971) "Sino-Iranica", *AAASH 19*, p. 133-147.
- Harper, P.O & Meyers, P. (1981). *Silver Vessels of the Sasanian period. vol. I: Royal Imagery*, New York.
- Henning, W. B. (1954). "Notes on the Great Inscription of Shapur I", Jackson Memorial Volume, Bombay. Selected Papers, *Acta Iranica 15* 1977 (2): 415-29.
- Hermann, G. (1981). "The Sasanian Rock Reliefs at Bishapur: Part 2. Bishapur IV, Bahram II receiving a Delegation, Bishapur V, The Investiture of Bahram I, Bishapur VI, The Enthroned King", *Iranische Denkmäler*, Lieferung 10, enthaltene Reihe II. *Iranische Felsreliefs*. Berlin: Dietrich Reimer Verlag.
- Hermann, J. and Curtis. V.S. (2002). "Sasanian Rock Reliefs", *Encyclopaedia Iranica*.
- Herrmann, G. (2000). "The Rock Reliefs of Sassanian Iran", in J. Curtis (ed.). *Mesopotamia and Iran in the Parthian and Sasanian Periods, Rejection and revival, 238 BC-AD 642*, London: British Museum Press.
- Herzfeld, E. (1926). "Reisebericht, Zeitschrift Der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft", 80: 226-283.

- Herzfeld, E. (1935). *Archaeological History of Iran*, London, Oxford University Press.
- Herzfeld, E. (1941). *Iran in the Ancient East*, Archaeological Studies Presented in the Lowell Lectures at Boston, London, Boston and New York.
- Herzfeld, E. (1924). *Paikuli, Monument and Inscription of the early history of the Sasanian Empire*, Bd. 1-2, Berlin.
- Hinz, W. (1969). *Altiranische funde und foreschungen*, Mit Beitrage von Rykle Borger und Gerd Gropp, Berlin.
- Hinz, W. (1973). "Das Sasanidsche Felsrelief von Tang-i Qandil", *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, vol. 6, p. 201-212.
- Huysse, PH. (1999). "Die Dreisprachige Inschrift Sabuhrs I. A Der Kab-I Zaedust (SKZ)", *2Bde.=Corpus Inscritionum Iranicarum III I., Part III, Pahlavi Inscriptions*, London.
- Levit-Tawil, D. (1993). "Re-dating the Sasanian reliefs at Tang-e Qandil and Barm-e Dilak: Composition and style as Dating Criteria", *Iranica Antiqua XXVIII*: 141-68.
- Maricq, A. (1958). "Res Gesta Divi saporis", *Syria* 35. pp. 295-360. (= *Classica et Orientalia*, Paris 1956, p. 37-101.
- Overlaet, B. (2009). "A Roman Emperor at Bishapur and Darabgird: Uranius Antonius and the Black Stone of Emesa", *Iranica Antiqua* 46: 461-502.
- Overlaet, B. (2013). "And Man Created God? Kings, Priests and Gods on Sasanian Investiture Reliefs", *Iranica Antiqua* 48: 313-354.
- Potter, D. (2013). *Constantine the Emperor*, Oxford University Press.
- Rezakhani, Kh. (2017). *ReOrienting the Sasanians: East Iran in late Antiquity*, Edinburg University Press, p. 1-256.
- Sarre, F. (1921). "L'art de La Perse Ancienne", in *E. Gres and Gie (eds.), L'art de l'Orient*, Paris: 1-55.
- Sangari, E. (2013). *Les femmes à l'époque sassanide. Données iconographiques et sources textuelles en Iran du IIIème au VIIème siècle apr. J.-C.*, Université de Lumière Lyon 2, France.
- Sangari, E. (2020). «L'iconographie et le statut de femmes sur les bas-reliefs sassanides (224-651 apr. J.-C.)», *Iran and the Caucasus*, Brill: Leiden-Boston.
- Sangari, E. (2022). «The Iconography of Dancers and Their Garments on Sasanid Silver Vessels (Case Study: Four Silver Vessels with Different Features)», in *Iran. The British Institute of Persian Studies*, Routledge, UK.
- Schindel, N. (2013). "Sasanian coinage", in Potts. D.T.(ed.), *The Oxford Handbook of Ancient Iran*, Oxford University Press.
- Schmidt, E.F. (1970). *Persepolis III*, Chicago, University of Chicago Press.
- Shahbazi, A.Sh. (1993). "Crown Prince", *Encyclopaedia Iranica*, vol. VI. Ed. by Ehsan Yarshater, New York: Routledge & Kegan Paul, p. 430-432.
- Shahbazi, A.Sh. (1983). "Narse's relief at Naqš-i Rostam", *Archaeologische Mitteilungen aus Iran* 16, p. 255-68.



- Shahbazi, A.S.H. (1998). "Studies in Sasanian prosopography. III. Barm-i Dilak: Symbolism of offering flowers", in *V. Sarkhosh Curtise, R. Hillenbrand & J. M. Rogers (eds.), the Art and Archaeology of ancient Persia*, New light on the Parthian and Sasanian empires, London: 58-66.
- Shayegan, M.R. (2013). "Sasanian political Ideology", in *Potts, D. T. (ed.). The Oxford Handbook of Ancient Iran*, Oxford University Press.
- Tanabe, K. (1990). "Royal Boar-Hunting of the left wall, Tag-i Bustan, IV (Text)", *eds. By Fukai, Sh, et al.*, Tokyo, p. 83-95.
- Trümpelmann, L. (1975). *Triumph über Julian Apostata. Jahrbuch Für Numismatik und Geldgeschichte* 25: 107- 111.
- Vanden Berghe, L. (1984). *Reliefs Rupestres de l'Iran Ancien*, Bruxelles.
- Vanden Berghe, L. (1989). "Barm-e Dilak", in: Yarshater, E (ed.), *Encyclopaedia Iranica III*: 805-806.
- Von Gall, H. (1977). "Review of Leo Trümpelmann, Das Sasanidsche Felsrelief von Sar Mashad", *Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archaologie*, p. 67.
- Von Gall, H. (1988). "Das Felsgrab von Qizqapan. Ein Denkmal aus dem Umfeld der achämenidischen königsstrasse", *Bagdader Mitteilungen*, 19: 557-82.
- Von Gall, H. (2008). "New Perspective on Sasanian Rock Reliefs", in: *D. Kennet and P. Luft (eds.). Current Research in Sasanian Archaeology. Art and History*, Proceedings of a Conference Held at Durham University, November 3<sup>rd</sup> and 4<sup>th</sup>, 2001: 149-161.
- Weber, U. (2007). "Hormezd I. König der Könige von Ērān und Anērān", *Iranica Antiqua*, vol. XLII, p. 387-418.
- Weber, U. (2009). "Wahram II, König der Könige von Eran und Aneran", *Iranica Antiqua* 44: 559-643.